



گپی با تصویرگر کتاب‌های تاریخ

استاد غلامعلی مکتبی تصویرگر پیشکسوت کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی مجلات پیک و رشد

مسعود جوادیان

لطفاً مختصری از خودتان بگویید.

○ من از اهواز به تهران آمدم از دانشگاه تهران لیسانس نقاشی گرفتم. بعد به پاریس رفتم و نقاشی را ادامه دادم. شش سالی آنجا بودم و بعد که به ایران باز گشتم همه‌چیز عوض شده بود. برای همکاری در مجله‌ی پیک از من دعوت شد و شروع به کار کردم. بعد از انقلاب هم در کتاب‌های آموزشی، مجلات رشد و کتاب قصه و شعر برای کودکان و نوجوانان به کار ادامه دادم.

● استاد، از چه کسانی بیشتر تأثیر پذیرفتید؟

○ تا زمانی که در تهران و در دانشکده‌ی هنرهای زیبای دانشگاه تهران بودم از چهره‌های برجسته‌ای مانند استاد علیمحمد حیدریان، استاد جواد حمیدی، استاد محمود جوادی‌پور و خانم مادام امین‌فر، ولی پیش‌تر از همه: از استاد حیدریان که شاگرد مستقیم کمال‌الملک بودند تأثیر پذیرفتم. در فرانسه هم، چند استادی داشتم و کم و بیش باهمه‌ی آنها کار کردم. از استادی که بیش‌ترین تأثیر و بیش‌ترین کمک و بیش‌ترین آموزش هنر را دیدم، ابتدا آقای سووربی Souverbi و سپس آقای شاستل Chastel بودند.

● از استاد حیدریان کار چاپ‌شده‌ای وجود دارد؟

○ بلی. مجموعه‌ای از آثار ایشان را به صورت چاپ شده، در جراید هنری دیده‌ایم. البته خیلی از آثار ایشان به اشخاص و مجموعه‌داران فروخته شده است و بقیه هم تا آنجا که اطلاع دارم نزد دختر ایشان موجود است. از کارهای بسیار جالب ایشان کپی چند اثر از «رامبراند» است که بسیار زیبا، عالی و کاملاً شبیه به اصل است. آثاری هم ایشان از «میله» و دیگر نقاشان بزرگ که بر دیواره‌های موزه‌های جهان آویزان است، کپی کرده‌اند، که من هم بعضی از آنها را در سفرم به اروپا دیده‌ام. آثار کپی شده ایشان واقعاً بسیار



زیباست و با اصل کاملاً مطابقت دارد.

● آقای مکتبی، به نظر شما اساساً کتاب‌های تاریخی به تصویرگری نیاز دارند یا خیر؟

○ کسانی که این کتاب‌ها را به وجود آورده و یا به چاپ رسانده‌اند، در مورد آن‌ها صحبت کرده‌اند. بعضی‌ها اعتقاد ندارند که چنین کتاب‌هایی باید نقش و نقاشی و یا عکس داشته باشد، چرا که بزرگ‌سالان آن‌قدر که نیاز به خواندن و فهمیدن و دانستن تاریخ دارند، نیازی به دیدن تصویر موضوع ندارند. و خواندن محتوا به تنهایی برایشان کفایت می‌کند، برای این دسته از خوانندگان تصویر و عکس تنها کتاب را تزئین می‌کند و از این گذشته خرجش هم زیاد است. برعکس، بعضی‌ها مصرأ معتقدند که کتاب‌های مربوط به تاریخ باید دارای تصویر و یا عکس باشد.

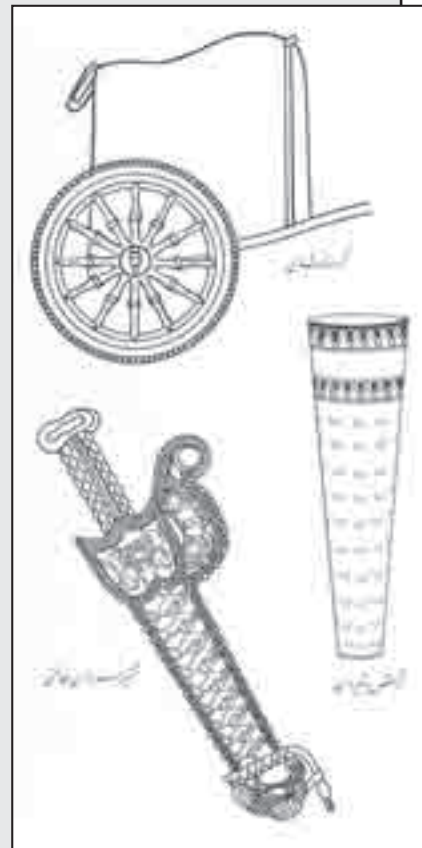
در این روزگار من معتقدم که بد نیست هر کتابی مزین به تصویر باشد به شرط آن‌که تصویر، کار تصویرگری مجرب باشد که از روی اصول تصویرگری و برای تاریخ، کار کرده باشد و از همان ابتدای کار بداند که موضوع درباره‌ی چیست، مربوط به چه زمانی است، فرهنگ آن زمان چه فرهنگی بوده است، مردم آن روزگار چگونه زندگی می‌کرده‌اند، خانه و مأوایی که در آن زندگی می‌کرده‌اند آیا به صورت چادر بوده است و یا به صورت ساختمان، و از چه گونه ساختمان و چگونه چادری؛ وسایل زندگی آن‌ها چه نوع بوده است، آیا به صورت ساده بوده و یا نقش‌هایی هم داشته است و ... و

خلاصه این که چنین نقاش یا تصویرگری، باید حداقل مختصری درباره‌ی وضع آن روزگار بداند تا بتواند کار را قبول و شروع به تصویرگری نماید.

اغلب تصاویری که از تصویرگران امروز دیده می‌شود، وقتی خوب نگاه می‌کنی، متوجه می‌شوی که خیلی هم دقیق نیست، فی‌المثل نه پوشش، پوششی درست است و نه حتی نژاد افراد. نه شخصیت‌ها به درستی فکر و کار شده و نه چیزهای مربوط به آن مردم و آن روزگار، آن هم در اقلیم‌های متفاوت و با طبیعت و گل و گیاه مناسب آن سرزمین‌ها. اگر با اسب سفر می‌کرده‌اند و یا می‌جنگیده‌اند آیا چنین اسب‌هایی دارای ساز و برگ مشخصی بوده و یا این که فقط دارای پوشش ساده‌ای از نمد و یا جنس دیگری بوده است. و آیا همه‌ی این‌ها به صورت ساده و مبتدی بوده است یا این که دارای نقوش، آن هم از نقوشی که حاکی از فرهنگی بزرگ و پیشرفته، و آیا ...

● اکنون پردازیم به دو کتابی که جنابعالی در تصویرگری آن‌ها مشارکت داشتید. چه شد که سازمان کتاب‌های درسی تصمیم به انتشار چنان کتاب‌هایی گرفت؟ با آن تصویرگری زیاد و جالب و چاپ بدیع؟ خوب این‌ها قبول ولی باید دلایل دیگری هم مطرح بوده باشد. ○ گویا و تا آن‌جا که به یاد دارم یک نمونه‌ی خارجی آن را و یا کتابی که شبیه به نیاز آن‌ها بود، دیده و یا تصور کرده و پسندیده بودند. در ابتدای کار





می‌خواستند از تصویرگر خارجی آن کتاب برای تصویرگری این دو کتاب مورد بحث استفاده کنند، ولی چون تصویرگر پول کلانی طلب می‌کرد با آوردن او موافقت نشد. بنابراین از چند تصویرگر برجسته‌ی آن زمان، یعنی آقایان زمان زمانی و پرویز کلانتری و مدتی بعد از من خواسته شد که تصویرگری کتاب را انجام بدهیم. آن زمان هنوز دانشجو بودم و سرگرم تحصیلات دانشگاهی. بنابراین مدت کوتاهی با این آقایان همکاری داشتیم. یک همکاری لذت‌بخش!

● چرا تا آن زمان کتابی با آن ویژگی‌ها چاپ نمی‌شود؟

○ قبل از این دو کتاب، در تألیف و آماده‌سازی کتاب‌های تاریخ، چندان توجهی به موضوع تصویرگری و تأثیر و تأثر آن نمی‌شد. شاید از نظر مالی در وضع مناسبی نبودند و یا این‌که تا آن وقت به ارزش تصویرگری، نقش و رنگ و زیبایی

گرافیکی کتاب‌ها توجه نمی‌کردند. به همین جهت کتاب‌های آن دوره عموماً و یا بعضاً دارای این کمبود بوده‌اند و طبعاً خوانندگان کتاب هم از دیدن رنگ و شکل و زیبایی و تأثیر آن‌ها محروم.

● آیا مؤلف کمکی هم به شما می‌کرد؟
○ دکتر پرویز خانلری بود که به عنوان ناظری آگاه، هنگام کار، هم مقایسه می‌کرد و هم اطلاعات می‌داد و اسناد لازم را برای تصویرگری فراهم می‌ساخت و ناظر فنی و هنری کتاب هم به عهده‌ی هرمز وحید بود. کار آن چنان دقیق بود که کمتر اشتباهی رخ می‌داد.

هدف، از همان ابتدا مشخص بود: باید کتابی تولید می‌شد که تازگی آن موجب توجه دانش‌آموزان باشد و در نتیجه یادگیری، آن هم همراه با میل و رغبت و نشاط باشد؛ و چنین هم شد. این کتاب‌ها، همواره چه در گذشته و چه در حال حاضر از نظر تصویر و تصویرگری و نقش و نگار مورد استفاده‌ی تصویرگران و نویسندگان موضوعات تاریخی بوده و هست.

● آیا به جز این دو کتاب، کار دیگری هم انجام دادید؟

○ کار زیادی نکردم ولی به نظر من از تصاویر این دو کتاب، همان‌طور که قبلاً اشاره کردم، می‌توان به عنوان سند در یک مقطع تاریخی یاد کرد.

هنرمندی که تصویرگری یک کتاب تاریخی و یا یک مطلب تاریخی را می‌پذیرد، به ناچار باید در مورد محتوای آن کتاب یا مطلب و حقایق آن چیزهای زیادی بداند تا هنگام کار بتواند همه‌چیز آن را بسنجد و ملاک قرار بدهد تا نهایتاً تصویر و موضوع به



امروزه کمتر تصویرگری می‌بینم که علاقه‌مند به موضوعات تاریخی باشد



از جهتی دیگر، نقش و تصویر و رنگ، هم به کتاب زیبایی می‌بخشد و هم به خواننده نوعی لذت. لذت از دیدن رنگ، لذت از دیدن نقوش، لذت از دیدن تصویر موضوعی تاریخی و جالب.

تنها در این صورت است که خواننده از لذت تصور و پرواز خیال و لذت بردن از تصورات شخصی خودش که اغلب نسبت به حقیقت فاصله دارد و چه بسا بسیار هم زیباتر و سرگرم‌کننده‌تر و آموزنده‌تر محروم می‌ماند.

این سؤال همیشه برایم بوده و هست که آیا همهی تاریخ و واقعیت تاریخ همین است که نوشته‌اند و می‌خوانیم؟ اگر چنین است پس بخش‌های تاریک آن کدام‌اند؟ و آیا اگر پس از خواندن تاریخ به دل خود و احساس خود عمیقاً رجوع کنم، حقیقت را بزرگ‌تر نخواهیم دید؟

کمتر تصویرگری می‌بینم که علاقه‌مند به تصویرگری موضوعات تاریخی باشد با آن همه نیاز به سواد و آمادگی و علاقه به موضوعات دقیق تاریخی.

● فرمودید تصویرگران زیر نظر...

○ چون در مسافرت بودم همه چیز را درست نمی‌دانم. شاید مؤسسه‌ی انتشارات فرانکلین و شاید هم سازمان کتاب‌های درسی.

● استاد چه شد که کتاب از چرخه‌ی آموزش کنار رفت؟

○ به درستی نمی‌دانم. خارج از کشور بودم. به‌طور معمول هرگز به دنبال مسایلی هم‌چون مالی و اداری نبوده‌ام.

● و در پایان ...

○ به نظر من تصویر آنجا لازم می‌آید که موضوع، یا بنایی تاریخی باشد و یا این‌که شیئی تاریخی و یا فرهنگی ناشناخته ولی قابل توجه.

شکلی هماهنگ و درست در کنار هم دیده شوند. متأسفانه در حال حاضر تصویرگران بسیاری هستند که به این مسایل ضروری و لازم توجه نسبی هم ندارند و کار تصویر را به جاهایی می‌کشند که خودشان تصور می‌کنند. و در بعضی از موارد دیده شده و می‌شود که تصویرگر چنان سریع و عجولانه کار کرده است که خیلی از موارد را درست ندیده و بدون تحقیق و مطالعه جدی با هنرنمایی خودش آن هم به گمان خودش، سعی کرده است که کاری هنری و یا به قول امروزی‌ها کاری جشنواره‌ای بسازد! حیف، صد حیف!

● من نمی‌دانم چی شد که روند انتشار چنان کتاب‌هایی ادامه نیافت؟

○ به نظر من، یکی دسترسی نداشتن به یک مدیر فنی و هنری قابل و آگاه به مسایل هنری و بعد کمبود اسناد لازم برای تصویرگری. و سوم، امروزه